

تاریخ مشایخ صوفیه در بیاض و سواد سیرجانی*

دکتر محسن جهانگیری**
محسن پورمختار***

چکیده:

خواجه ابوالحسن علی بن حسن سیرجانی از بزرگان صوفیه قرن پنجم هجری است. وی شیخ کرمان بوده و در آنجا داروخانه و اوقاف و مریدان بسیار داشته و مورد تکریم بزرگان صوفیه از قبیل ابوسعید ابوالخیر، خواجه عبدالله انصاری و هجویری قرار گرفته است. او که اهل سیر و سیاحت بوده در سیرجان درگذشته و آرامگاهش تاکنون باقی و زیارتگاه است. کتاب بیاض و سواد خواجه علی حسن که تاکنون به صورت نسخ خطی مانده است، در حقیقت طبقه‌بندی موضوعی اقوال مشاهیر صوفیه تا اواخر قرن چهارم است که در هفتاد و سه باب تنظیم شده و بیش از سه هزار فقره از سخنان بزرگان قوم را در بردارد. یکی از مهم‌ترین ابواب بیاض و سواد «باب معرفه تاریخ مشایخ» است که در آن هفتاد و هشت تن از مشایخ صوفیه بر اساس منطقه جغرافیایی محل فعالیتشان تقسیم‌بندی و معرفی شده‌اند.

واژه‌ی کلیدی: بیاض و سواد، خواجه علی حسن سیرجانی، تاریخ تصوف

* - تاریخ وصول ۸۳/۲/۴ تایید نهایی ۸۳/۵/۲۷
** - استاد گروه فلسفه دانشگاه تهران
*** - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

مقدمه

عرفان و تصوف ستون فقرات فرهنگ جوامع اسلامی محسوب می‌شود. این پدیده عظیم اجتماعی که از حدود قرن دوم هجری کم‌کم در ممالک اسلامی نمودار شد، در قرون چهارم و پنجم به اوج شکوفایی رسید. در این دوران طلایی تصوف، مردان بزرگی در این عرصه پدیدار شدند که اعمال و گفتار آنها به شدت در جوامع مسلمان تأثیر کرد و این تأثیر روز به روز گسترش یافت. در زمینه شناخت این جریان فراگیر و چهره‌های برجسته آن گرچه کارهایی انجام گرفته اما آنچه شده در مقابل عظمت موضوع بسیار ناچیز می‌نماید.

یکی از دشواریهای تحقیق در زمینه تصوف، کمبود منابع معتبر و دست اول است. منابع ارزشمندی همچون تاریخ صوفیه سلمی از بین رفته‌اند و منابع قابل توجه دیگری به صورت خطی و غیرقابل بهره‌برداری عام در گوشه و کنار کتابخانه‌ها پنهان و دور از دسترس‌اند. در این راه کشف هر اثر معتبر و قدیمی چراغی پرنور محسوب می‌شود که بر گوشه‌ها و زوایایی از تاریخ تصوف قرون اولیه اسلامی پرتو می‌افکند.

خوشبختانه کتاب گرانقدر بیاض و سواد اثر خواجه علی حسن سیرجانی منبع بسیار ارجمند و مهمی است که پس از هزار سال خمول اینک به عرصه تحقیقات تصوف وارد می‌شود.

در این مقاله ابتدا به معرفی نویسنده و کتاب مذکور می‌پردازیم و سپس یکی از ابواب مهم کتاب را که ارزش ویژه‌ای در شناخت تاریخ تصوف تا قرن چهارم هجری دارد، از نظر می‌گذرانیم.

پسینه مشایخ

خواجه ابوالحسن علی بن حسن بن علی سیرجانی (سیرگانی، کرمانی) معروف به خواجه علی حسن از بزرگان صوفیه در قرن پنجم هجری است. خواجه علی در سیرجان می زیست. در زمان او سیرجان که تا اواسط قرن چهارم هجری مرکز ایالت کرمان محسوب می شد (لسترانج، ۱۳۷۷، ص ۲۴)، همچنان شهری پررونق بوده است. این شهر در مدت زمان زندگانی خواجه علی حسن، عمدتاً در حاکمیت آل بویه بوده و مخصوصاً عضدالدوله دیلمی به آبادانی آن توجه بسیار داشته است (وزیری، ۱۳۶۴، صص ۳۴۲-۳۱۹). چنانکه مقدسی، جغرافی‌نویس معروف قرن چهارم که خود از این شهر دیدار کرده، آن را وسیع‌تر و بهتر از شیراز دانسته است. (مقدسی، ۱۹۰۴، ص ۴۹۴). سیرجان که بین دو مرکز مهم تصوف یعنی فارس و خراسان قرار داشت (زرین کوب، ۱۳۸۰، ص ۶۸) خود نیز محلی برای اجتماع صوفیان محسوب می شد، چنانکه به علت فراوانی مقابر اولیا و عرفا از سوی ارباب تصوف «شام کوچک» لقب گرفته بود. (کرمانی، ۱۳۵۶، صص ۱۳۲-۱۳۱)

خواجه علی حسن در سیرجان داروخانه‌ای داشته و اوقاف بسیار و کار به نظام و مریدان بسیار و ظاهراً مرید شیخ عمو (ابواسماعیل احمد بن محمد حمزه الصوفی، متوفی ۴۴۱) بوده است (جامی، ۱۳۷۳، ص ۳۴۹) و تا زمانی که شیخ عمو زنده بوده به پاس حرمت او به ارشاد و دستگیری مریدان نپرداخته است. (انصاری هروی، ۱۳۶۲، ص ۵۴۷)

خواجه اهل سیر و سیاحت بوده و سفرهای نیکو داشته است. (هجویری، ۱۳۷۸، ص ۲۱۵) و نیز بر سر تربت شاه بن شجاع کرمانی (عارف معروف متوفای ۲۸۸ هـ. در سیرجان) به اطعام فقرا می‌پرداخته است. (عطار نیشابوری، ۱۹۰۵، ص ۳۱۵). خواجه همچنین رباطی داشته که در آنجا به دستگیری و ارشاد مریدان مشغول بوده و مسافران و زائران را به حضور می‌پذیرفته است. (سلفی، ۱۹۹۳، ص ۱۵۹). این رباط که پس از وفات خواجه آرامگاه وی در آن قرار داده شده، تا سالها پس از مرگ او باقی بوده است. چنانکه در سال ۵۷۰ هـ. ق مؤیدالدین ریحان (از رجال دانشمند و سیاستمدار دربار سلاجقه) را در آن به خاک سپردند (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳، صص ۱۳۶-۱۳۵) و در سال ۸۱۸ هـ. ق شاهرخ پسر و جانشین امیر تیمور گورکان در همین مکان به زیارت آرامگاه شاه‌بن شجاع کرمانی آمده است. (سمرقندی، ۱۹۳۶، ص ۱۸۷).

خواجه علی حسن مورد اکرام و تجلیل تعدادی از بزرگان صوفیه قرار گرفته، چنانکه مؤلفان اسرارالتوحید و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر از قول شیخ ابوسعید نقل می‌کنند که او در ضمن وصایای زمان وفاتش از خواجه علی حسن به عنوان یکی از سه بزرگ صوفیه زمان خود نام می‌برد و تأکید می‌کند که پس از این سه تن، صوفیان را خواجه‌ای نیست. (محمدبن منور، ۱۳۶۳، ص ۳۴۳ و جمال‌الدین ابوروح، ۱۳۶۷، صص ۸۹-۸۸)

خواجه عبدالله انصاری هروی در طبقات الصوفیه نیز سیرجانی را «پسینه مشایخ» خوانده و حکایتی از وی نقل می‌کند که در آن خواجه به شیوه اهل ملامت رفتار کرده است. (انصاری هروی، ۱۳۶۲، صص ۵۴۷ و ۵۳۹). علی‌بن عثمان هجویری در کشف‌المحجوب پس از یادکردی محترمانه از خواجه از پسر

او به نام «حکیم» یاد می‌کند و او را مردی عزیز می‌داند. (هجویری، همان) جامی در نفحات الانس و عطار در تذکره‌الاولیاء (عطار نیشابوری، همان) و حافظ ابی نعیم اصفهانی در معجم‌السفر (سلفی، همان) نیز با اکرام از خواجه علی بن حسن سیرجانی یاد کرده‌اند.

خواجه علی حسن پس از سیر و سیاحت‌های بسیار و ملاقات بزرگان و مشاهیر صوفیه روزگار خود و جمع‌آوری بسیاری از اقوال و اشعار و حکایات قوم، بالاخره در سیرجان درگذشت و به احتمال بسیار در نزدیکی آرامگاه شاه بن شجاع کرمانی به خاک سپرده شد. بنای ساده آرامگاه خواجه در روستای نصرآباد سیرجان تا امروز زیارتگاه روستائیان اطراف بوده و هست.

در باب تاریخ وفات خواجه، اگر روایت اسرارالتوحید و حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر را بپذیریم باید قبل از سال ۴۴۰ هـ. (تاریخ وفات شیخ ابوسعید) اتفاق افتاده باشد و چنانچه روایت خواجه عبدالله انصاری در طبقات الصوفیه را مبنا قرار دهیم، باید وفات خواجه علی بعد از سال ۴۴۱ هـ. ق (تاریخ وفات شیخ عمو) اتفاق افتاده باشد. فریتز مایر (Fritz Meier) روایت خواجه عبدالله را ترجیح داده و روایت اسرارالتوحید را ساختگی می‌داند. (مایر، ۱۳۷۸، ص ۴۶۲). اسماعیل پاشا بغدادی در هدیه‌العارفین، وفات خواجه را حدود سال ۴۷۰ هـ. ق ذکر کرده، اما منبع قول خود را نیاورده است. (بغدادی، ۱۹۵۱، ص ۶۹۲)

به نظر می‌رسد خانواده خواجه علی حسن پس از درگذشت او همچنان موقعیت فرهنگی و دینی خود را برای چند قرن بعد حفظ کرده بودند، چنانکه در سال ۷۴۶ هـ. ق یکی از بازماندگان او به نام ابومحمد علی بن محمد بن علی،

خطیب سیرجان و ملقب به عماد، نسخه‌ای از کتاب جدش (بیاض و سواد) را برای محمودبن محمود حسینی، حاکم وقت سیرجان کتابت کرد. از آنجا که خواجه علی حسن در قرون چهارم و پنجم یعنی اوج شکوفایی تصوف اسلامی می‌زیسته و به تصریح هجویری سیاح وقت بوده و سفرهای نیکو داشته به احتمال زیاد، بسیاری از مشایخ زمان خود از قبیل ابوسعید ابوالخیر، امام قشیری، علی بن عثمان هجویری، شیخ عمو، خواجه عبدالله انصاری و ... را ملاقات کرده است. چنانکه به ملاقات او با شیخ سالبه بن ملک الممنع (جنید شیرازی، ۱۳۲۸، صص ۱۸۱-۱۸۰) و شیخ موسی بن عمران جیرفتی (ایران‌منش، ۱۳۷۲، صص ۹۲ و ۹۶) در منابع مکتوب تصریح شده است.

بیاض و سواد

اثر مهمی که از خواجه علی حسن به یادگار مانده است کتاب البیاض و السواد است که نام کامل آن «البیاض و السواد من خصائص حکم العباد فی نعت المرید و المراد» می‌باشد. این کتاب که به زبان عربی نگاشته شده در حقیقت طبقه‌بندی موضوعی اقوال، حکایات و اشعار مشاهیر و بزرگان صوفیه تا اواخر قرن چهارم هجری است. در مجموع کتاب حدود ۳۳۰۰ فقره از این اقوال و اشعار و حکایات آورده شده و این حجم زیاد مطالب و قدمت هزار ساله متن و شخصیت مؤلف، ارزش بیاض و سواد را تا حد یکی از متون درجه اول مطالعات تصوف بالا می‌برد و آن را در ردیف اللمع سراج و رساله قشیریه قرار می‌دهد. بیاض و سواد از هفتاد و سه باب تشکیل و در آن تقریباً از جمیع موضوعات مورد علاقه صوفیه بحث شده است. مؤلف در ابتدای هر باب آیه‌ای

از قرآن و حدیثی از پیامبر که متناسب موضوع هستند، می‌آورد و گاه تأویل و تفسیری از آنها به دست می‌دهد. سپس اقوال مشاهیر صوفیه ذکر می‌شود و در میانه و غالباً پایان هر باب به ایراد ابیاتی چند از اشعار مورد علاقه صوفیه در موضوع مورد بحث می‌پردازد. در بعضی موارد نیز هر باب با چند حکایت آراسته می‌شود. بسیاری از اقوال و اشعار در کتب شناخته شده فعلی تصوف دیده نمی‌شوند و آخرین شخصی که از او نقل قول می‌شود، شیخ ابو عبدالرحمان سلمی (متوفی ۴۱۲ هـ. ق) است.

خوشبختانه از این اثر ارزشمند نسخه‌های خطی معتبری موجود است که براساس آنها متن مصحح در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

تاریخ مشایخ صوفیه تا اواخر قرن چهارم به روایت سیرجانی

چنانکه قبلاً گفتیم در کتاب بیاض و سواد سیرجانی بابی به تاریخ مشایخ صوفیه اختصاص یافته است. این باب که عنوان آن «باب معرفه تاریخ مشایخ» است، یکی از ارزشمندترین منابع مطالعه تاریخ تصوف است که تاکنون از دسترس محققان دور بوده است. در این باب ۷۸ تن از مشایخ صوفیه معرفی شده‌اند که آخرین آنها از لحاظ تاریخی ثقف بن عبدالله ابوالخیر حبشی متوفی به سال ۳۸۳ هـ. ق است. سیرجانی باب تاریخ مشایخ را نیز مثل تمامی ابواب کتاب با آیه‌ای از قرآن کریم و حدیثی از پیامبر آغاز کرده است. سپس قبل از ورود به بحث اصلی نظر سه تن از بزرگان صوفیه را درباره مشایخ درجه اول تصوف بیان داشته است. از قول اسماعیل بن نجید، جنید و ابو عثمان حیری و ابو عبدالله بن الجلا را به عنوان سه شیخی معرفی می‌کند که چهارمی برایشان

نیست و از ابن‌الجالا روایت می‌کند که در بین ششصد شیخی که دیده است، ذوالنون، اباتراب نخشی و ابوعبید بسری و پدر خود را از همه برتر یافته است. آنگاه توصیه ابوعبدالله بن خفیف را درباره اقتدا به پنج شیخ آورده: محاسبی، جنید، رویم، ابن عطا و عمرو مکی. و از همو نقل می‌کند که این پنج نفر علم و حقایق را با هم در خویش جمع داشته‌اند.

خواجه علی حسن در این باب مشایخ مورد نظر را در ۸ گروه تقسیم و معرفی کرده است. گروه اول تحت عنوان «ذکرالواحد من الاوتاد» که در آن برترین مشایخ از نظر او معرفی شده‌اند و در ۷ گروه دیگر مشایخ را بنا به منطقه جغرافیایی زادگاه، یا محل فعالیت آنها تقسیم کرده است.

تقسیم‌بندی جغرافیایی مشایخ ابتکار جالبی است که ظاهراً قبل از بیاض و سواد در کتابهای مهم صوفیه که به تاریخ مشایخ پرداخته‌اند یا دیده نمی‌شود یا اینکه به طور بسیار ناقص و پراکنده وجود دارد. مثلاً کلاباذی در التعرف ۱۲ تن از مشایخ را تحت عنوان کلی «و من اهل خراسان و الجبل» نام برده و بلافاصله معیار تقسیم‌بندی را عوض کرده است. (کلاباذی، ۱۳۸۰ هـ. ق ص ۲۹) اما خواجه علی حسن مشایخ مورد نظر را در هفت گروه جغرافیایی مشخصی آورده که همین روش به تنهایی گویای اطلاعات ارزشمندی در باب جغرافیای زندگی مشایخ است که خود می‌تواند روشنگر بسیاری از جوانب شخصیتی و منابع احتمالی آموزه‌های آنان باشد. علاوه بر اینکه در باب مشایخی که ممکن است به چند منطقه منسوب باشند نظر غالب یا دست کم انتخاب خود را نشان می‌دهد، چنانکه حلاج را که غالباً بیضاوی خوانده‌اند نه در گروه مشایخ فارس که جزو مشایخ عراق آورده است.

در معرفی هر کدام از شیوخ ابتدا فشرده‌ای از ویژگیهای شخصیتی فرد در قالب یک یا دو لقب ذکر می‌شود. این القاب بسیار دقیق انتخاب شده‌اند و نمایانگر ابعاد مهم وجودی شیخ مورد نظر هستند. گرچه تعداد اندکی از این القاب در مورد چند تن از شیوخ ظاهراً از رواج عام برخوردار بوده است (مثلاً تاج‌الصوفیه برای شبلی یا لسان‌التصوف برای خراز)، اما غالب این القاب منحصر به این کتاب می‌نماید که به احتمال بسیار ساخته خود خواجه هستند و اگر هم از منابعی اخذ شده باشند، آن منابع از بین رفته‌اند. پس از القاب، نام کامل شیخ می‌آید و سپس در دو سه سطر به معرفی او پرداخته می‌شود. این معرفی‌ها شامل مهم‌ترین نکات زندگی و شخصیتی و در غالب موارد تاریخ درگذشت فرد مورد نظر است. بسیاری از مطالب ذکر شده در مورد شیوخ معرفی شده تازه هستند و اطلاعات تازه‌ای در مورد آنها می‌دهند یا موارد مورد اختلاف را روشن می‌کنند. به عنوان مثال، تاریخ درگذشت شاه‌بن شجاع کرمانی در منابع درجه اول تاریخ تصوف موجود (مثل طبقات الصوفیه سلمی و رساله قشیریه و نفحات الانس) همواره به صورت (قبل از سال سیصد هجری) ذکر شده اما در بیاض و سواد دقیقاً تاریخ ۲۸۸ هـ ق آمده است. علاوه بر این در مورد شاه کرمانی این پرسشها نیز مطرح بوده که آیا وی چنانکه بعضی گفته‌اند خراسانی بوده یا کرمانی و آیا در خود کرمان می‌زیسته یا در سیرجان که در قرون اولیه اسلامی مرکز ایالت کرمان بوده و آیا آرامگاه وی در کرمان است یا در سیرجان و یا بنا به بعضی نظرها در نیشابور؟ پاسخ همه این سوالات در نیم سطر این باب آمده است که «... کان خراسانی الاصل نزیل السیرجان و بها قبره».

در مورد اغلب مشایخ معرفی شده در این باب این نکته صادق است؛ که اگر قدمت هزار ساله کتاب و شخصیت مؤلف را به عنوان یکی از شیوخ بزرگ صوفیه که در ضمن اهل سیر و سیاحت و دیدار با مشایخ بوده و اطلاعات بسیاری را - چه بسا از منابع درجه اول - کسب کرده است نیز در نظر بگیریم، اهمیت این باب در مطالعات تاریخ تصوف به مراتب بالاتر می‌رود. در سطور زیر ضمن معرفی شیوخ مذکور در هر گروه، یک نمونه از هر طبقه به عنوان الگوی کار مؤلف ذکر می‌شود.

ذکرالواحد من الوتاد

در این گروه هفت تن از مشایخ صوفیه که از دید خواجه علی از سایرین برتر بوده‌اند معرفی شده‌اند:

ابوتراب نخشی، ابویزید بسطامی، شاه بن شجاع کرمانی، علی بن سهل اصفهانی، سهل بن عبدالله تستری، ابراهیم خواص و ابوعبدالله مغربی.

* بحر التوحید و صراط اهله طیفوربن عیسی ابو یزید البسطامی عبر بعلمه الی حیث تته فیہ الفهوم کما عبّر بفعله الی ما یتحیر فیہ العقول، رحمه الله علیه، توفی سنه احدی و ستین و مائین.

ذکر شیوخ الحجاز

در این گروه ده تن از مشایخ منطقه حجاز که غالباً ساکن مکه بوده‌اند معرفی شده‌اند: ابوعبدالله مکی، ابوبکر کتانی، ابو یعقوب نهرجوری، مزین،

ابوعمر و زجاجی، ابوسعید اعرابی، ابوالقاسم مدینی، ثقف بن عبدالله حبشی، ابوالحسن سیروانی و ابوعقال بن عنوان.

* معدن الفهم و منبع العلم احمد بن محمد العنزى، ابوسعید الاعرابی کان احد مشایخ الحرم فی وقته تکلم بعلوم القوم بأحسن العبارة، رحمه الله علیه، توفی سنه احدى و اربعین و ثلثمائه.

ذکر مشایخ العراق

در این گروه پانزده تن معرفی شده‌اند:

سری سقطی، جنید، ابوسعید خراز، رویم، شبلی، جریری، سمنون، مسوحی، احمد بن سهل، حلّاج، ابوجعفر حداد، جعفر خلدی و ابوالحسن حصری.

* قتیل الدعوی و حریق المعنی الحسین بن منصور ابومغیث، قد اقام نفسه بین الصدق الاعلی و الکذب الادنی، الناس متحیرون فی حاله، ما نزل به ما نزل الا لرجحان صدقه فی حاله أولخیانه نفسه فی اظهار شأنه و هو عند شیوخ القصه بین قبول و رد، بل الی الرد اقرب، رحمه الله علیه، قتل سنه سبع و ثلثمائه.

ذکر سادات الشام

در این گروه سیزده تن معرفی شده‌اند:

ابوسلیمان دارانی، احمد بن ابی الحواری، احمد بن عاصم انطاکی، طاهر مقدسی، ابوعبید بسری، ابو عبدالله بن الجلا، ابوعمر و دمشقی، ابو امیه ماحوزی، ابوشعیب المقفع صالح، بلال خواص، حذیفه مرعشی، دقی، ابوعبدالله رودباری.

قائد القوم و کھفهم ابوشعیب المقفع صالح، کان قد حج سبعین حجه راجلا، احرم فی کل حجة من عند الصخره و دخل بادیه تبوک علی التوکل، رحمہ اللہ علیہ، توفی سنہ اثنین و ثمانین و مأتین.

ذکر مشایخ مصر

در این گروه شش تن معرفی شده‌اند:

ذوالنون، بنان حمال، ابوبکر زقاق، شبابک مصری، حصری و ابوعلی رودباری.

* شطاح القوم و معدن اللوم شبابک المصری ابوالحدید، له اشعار فی دقائق العلوم و الفاظ فی الشطح.

ذکر اشیاخ فارس

در این گروه ده تن معرفی شده‌اند:

ابوعمر اصطخری، جعفر حذاء، ابوبکر طمستانی، هشام بن عبدان، مؤمل جصاص، حسن بن حمویه، ابوالحسین قرشی، بنداربن حسین و ابوعبدالله خفیف.

* ناقد المذهب و امین اهله محمد بن خفیف ابوعبدالله الضبی، کان من اعلم المشایخ، خاتم الصوفیه من السلف و مزرعه المتصوفه فی الخلف، رحمہ اللہ علیہ، توفی سنہ احدی و سبعین و ثلثمائه.

ذکر مشایخ خراسان

در این گروه ده تن معرفی شده‌اند:

ابوحفص نیشابوری، احمد بن خضرویه، حاتم بن عنوان، حمدون قصار، محمد بن فضل بلخی، ابوحمزه خراسانی، مرتعش، ابوبکر واسطی، ابوعثمان حیری و نصرآبادی.

* شجاع القوم و کریمهم حمدون بن احمد ابوصالح القصار، سلک طریق الرجال و طرح رعونه النفس، تکلم بعلوم یشکل الا عن اهله، رحمه الله علیه، توفی بعد الثمانین و مأتین.

ذکر شیوخ جبل

در این گروه هشت تن معرفی شده‌اند:

یوسف بن حسین رازی، یحیی بن معاذ، ابوبکر ابهری، ابراهیم بن شیبان، ممشاد دینوری، ابوبکر کسائی، عیسی قصار و ابو عبدالله دینوری.

* راصد المذهب و مرشد اهله، ابراهیم بن شیبان، صحب اباعبدالله المغربی، کان اشد الخلق علی المدعین، رحمه الله علیه، مات بقرمیسین و بها قبره. پایان بخش باب تاریخ مشایخ، هفت بیت از اشعار حسین بن منصور حلاج است با مطلع:

انعی الیک نفوساً انت شاهدها فیما وراء الحیث یل فی شاهد القدم

شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی و تاریخ مشایخ بیاض و

سواد سیرجانی

در باب تأثیری که کتاب بیاض و سواد بر روی کتب عرفانی بعد از خود داشته فعلاً سخنی به قطع نمی‌توان گفت، اما به نظر می‌رسد که روزبهان بقلی در فصل «فی اسماء المشایخ و نعوتهم» کتاب شرح شطحیات خود از باب «معرفه تاریخ مشایخ» بیاض و سواد استفاده کرده باشد و این امر با توجه به نزدیکی زمانی روزبهان به خواجه علی و نیز نزدیکی مکانی فسا و شیراز به سیرجان بسیار محتمل است. در زیر چند مورد از شباهتهای القاب مشایخ در دو کتاب آورده می‌شود. (بقلی شیرازی ۱۳۴۴، صص ۴۴-۳۵)

شرح شطحیات	بیاض و سواد
مصنف خزانه الحکمة و صندوق المعرفة و ممدوح الصوفیة، شاه بن شجاع ابوالفوارس، از محققان یکی بود، خداوند براهین و آیات ...	خزینه الحکمة و ممدوح اهله، شاه بن شجاع، ابوالفوارس الکرمانی، کان احد المتحققین فی شأنه له دلائل و براهین ...
جنید بن محمد ابوالقاسم، مرجع کامل در هرفن ...	جنید بن محمد الخزاز ابوالقاسم ... المرجوع الیه فی کل فن
مسند عارفان و شمشیر شطاحان ... و پیش رو مخلصان در زمان خویش، ابوالحسن النوری، او را بود زبان حقایق ...	سند القلوب و سیف اهله احمد بن محمد ابوالحسین النوری، کان احد المخلصین فی وقته و القائلین بالحق ...
حسین بن منصور الحلاج، قتل دعوی و حریق معنی	قتل الدعوی و حریق المعنی الحسین بن منصور
مصباح حقیقت ... ابو عبدالله صبیحی، دقیق الکلام بود ... که سی سال در سرب می‌جاهده کرد و بیرون نیامد.	مصباح العلم ... ابو عبدالله الصبیحی ... دقیق الکلام ... لم یخرج من سرب ثلاثین سنه یجتهد فیه ...

بحر الفهم... ابوسعید خراز، کان من الناطقین فی علوم الدقائق المغتربین من بحر الحقائق	بحر فهم... ابوسعید الخراز، ناطق علوم حقایق بود از بحر دقایق خوردی...
صاحب علمین و مقبول الطائفتین، ابراهیم بن محمد ابوالقاسم النصر آبادی	صاحب علمین، مقبول طائفتین، ابوالقاسم النصر آبادی...

منابع

- انصاری هروی، خواجه عبدالله، *طبقات الصوفیه*، تصحیح محمد سرور مولایی، توس، تهران، ۱۳۶۲.
- ایران‌منش، پری، *عرفای کرمان*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
- بغدادی، اسماعیل پاشا، *هدیه العارفین*، استانبول، ۱۹۵۱.
- بقلی شیرازی، شیخ روزبهان، *شرح شطحیات*، تصحیح هنری کوربن، تهران، ۱۳۴۴.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، *نفحات الانس من حضرات القدس*، تصحیح محمود عابدی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
- جمال‌الدین ابوروح لطف‌الله بن ابی سعید بن ابی سعد، *حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران، ۱۳۶۷.
- جنید شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم، *شد الانار فی حظ الاوزار عن زوار المزار*، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، مجلس، تهران، ۱۳۲۸.
- زرین کوب، عبدالحسین، *ارزش میراث صوفیه*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰.
- سمرقندی، مولانا کمال‌الدین عبدالرزاق، *تصحیح محمد شفیع*، لاهور، ۱۹۳۶.
- سلفی، حافظ ابی طاهر احمد بن محمد، *معجم‌السفر*، تحقیق عبدالله عمر البارودی، بیروت ۱۹۹۳.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، *تذکره‌الاولیاء*، تصحیح ر.انیکلسون، لیدن، ۱۹۰۵.
- کرمانی، افضل‌الدین ابو‌حامد احمد بن حامد، *عقد‌العلی للموقف الاعلی*، تصحیح علی محمد عامری نائینی، روزبهان، تهران، ۱۳۵۶.

- کلابادی، ابوبکر محمدبن ابراهیم، *التعرف لمذهب اهل التصوف*، تصحیح عبدالحلیم محمود و طه عبدالباقی سرور، قاهره ۱۳۸۰هـ. ق
- لسترانج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- مایر، فریتس، *ابوسعید ابوالخیر حقیقت و افسانه*، ترجمه مهر آفاق بایوردی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۸.
- محمدبن ابراهیم، *سلجوقیان و غز در کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، طهوری، تهران، ۱۳۴۳.
- محمدبن منور، *اسرارالتوحید*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران، ۱۳۶۳.
- مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، لیدن، ۱۹۰۴.
- وزیری، احمد علی خان، *تاریخ کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، علمی، تهران، ۱۳۶۴.
- هجویری، علی بن عثمان، *کشف‌المحجوب*، تصحیح و ژوکوفسکی طهوری، تهران، ۱۳۷۸.